د) مثال نقض بسمله

شاگرد: برخی از تقیه ها باید تا ظهور حضرت رعایت شود.

استاد: اگر تقیه ای باید تا زمان ظهور مراعات شود، آیا کله صواب می‌شود؟! همه آنها حق می‌شود؟! ببینید امام علیه‌السلام در همین روایتی که ایشان هم اشاره کردند و در کافی بود، فرمودند زمان ظهور ما «یقرأ القرآن علی حده». روایت را خواندیم. در آن زمان قرائت علی حده می‌شود. مرحوم شیخ مفید در ارشاد این را داشتند. فرمودند وقتی زمان ظهور ما می‌شود کسانی که حافظ قرآن هستند در خواندن مشکل پیدا می‌کنند. اینها هست. اما این می‌گویی در نتیجه یکی از آنها درست است؟! خب اگر یکی از آنها درست است که «کله حق» نمی‌شود. به این معنا می‌شود که یکی از اینها حق است و بقیه برای رواج است؛ برای سائرین است ولی به‌خاطر تقیه مماشات می‌کنند. اما چرا برای «بسم الله» تقیه نکردید؟! شعار شیعه این است که اگر «بسم الله» را نخواندی نمازش باطل است. به بحث آن می‌رسیم. چطور شد که در اینجا تا زمان ظهور تقیه نکردند؟! آلآن سنیها «بسم الله» نمی‌گویند. شیعه هم بگوید ما تا زمان ظهور همراه شما هستیم. می‌گوییم هر چه که در بین مسلمین هست، همان را می‌خوانیم. خب چرا این شعار شیعه است؟! جهر به بسم الله که ندب است، خب چرا شعار شیعه است؟! قنوت در نماز چرا شعار شیعه است. آلآن هر کسی در هر کجای نماز قنوت بخواند، می‌فهمند که شیعه است. چون قنوت می‌خوانند. خب قنوت گرفتن و شعار شدن آن، بیشتر خلاف تقیه با آنها است، جهر به بسم الله بیشتر خلاف تقیه است؟ یا اینکه در «مالک» و «ملک» کلام خدا تغییر کند؟! کدام یک از آنها؟ شما فکر کنید.

آلآن روی این مبنا که طبق حرف واحد یکی را فرض می‌گیرند، در کتابهای فقهی متأخر بگویند نمی‌دانیم؛ لذا برائت ذمه نمی‌آید و باید دو نماز بخوانیم. معلوم می‌شود که فضا عوض شده است. چرا این اشتغال ذمه را در زمان شیخ الطائفه نمی گفتند؟! چرا قطب راوندی می‌گویند عندنا همه اینها درست است؟! این خیلی اهمیت دارد. مقدس اردبیلی با آن تشکیلاتشان چرا اینطور بیان کردند؟!

من ان شالله اینها را می نویسم، شما هم در همان صفحه کمک کنید، هر چه به ذهنتان در نفی و در اثبات آن به ذهنتان آمد، بنویسید. اینکه آیا این اجماع صورت رخصت و تقیه دارد یا ندارد. مثل مثل صاحب جواهر وقتی به تعدد قرائات می‌رسند جلوی اجماع اصحاب می‌ایستند. آن هم با آن عبارات! به صاحب مفاتح الکرامه تند می‌شوند. خودشان وقتی به نکاح جواهر می‌رسند، هیچ! تناقض آشکار در یک کتاب می‌شود. می‌گویند حضرت وقتی به سهل صاعدی گفتند که تعلیم قرآن بکن، تعیین قرائات متعدد را نکردند، «مع ان هذه القرائات کانت موجودة فی ذلک الزمان». البته این از مبسوط بود، در سائر کتب هم بود. در تابستان شاید در سه-چهار جلسه مفصل در مورد تعیین مهر و جواز قرائت بحث کردیم. یعنی وقتی به‌خاطر این اجماع مقابل مباحث می‌ایستند در یک کتاب فقهی تناقض پیش می‌آید، در آن جا بگویند که همه اینها در زمان حضرت بوده ولی در اینجا بگویند نه. صاحب جواهر فرمودند کسی که نگاه کند قطع پیدا می‌کند که اینها از جیب قراء در آمده است! خب یک فقیه بزرگ در جواهر این حرف را بزند؟! می‌گویند به قطع می‌رسد. خب تتبع مفاتح الکرامه از شما بیشتر است ای خود شما؟! در حوزه‌ها معروف است که صاحب جواهر در عرش فقاهت و تحقیق هستند، در این حرفی نیست. اما در تتبع در اقوال، به هرکسی بگویی که سید جواد جلوتر است ای صاحب جواهر، چه جوابی می‌دهند؟! خود صاحب جواهر مرتب به مفاتح مراجعه می‌کند. دم دست ایشان بود. خب به ایشان بگویند «تهجس بلداریه»؟! «تهجس» به چه معنا است؟ یعنی حرف بی‌دلیل زدن؛ همینطور یک چیز گفتن. بعد می‌گویند هر کسی این

اختلافات را ببینند قاطع می‌شود که این اختلافات از جیب رواتِ در آمده است. عجب! از جیب رواتِ در بیایی و شیعه هم همینطور ساکت بنشینند و چیزی نگویند؟! بعد هم در نماز بگویی که نمی‌دانم «مالک» بخوانند یا «ملک»؟! این خیلی دور می‌برد. «بُعد»ی که صاحب مفاتح فرمودند از این قبیل است. خیلی از موارد هست. شما باید شماره بزنید تا ببینید مواردیکه واقعاً بعید می‌کند که این اجماع در بین شیعه، تقیه‌ای باشد.

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 15:09:14 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 12:54:05 توسط ... .